

تکواژ تصریفی «ی» و کارکرد آن در گذر تاریخی فارسی نو^۱

مهرداد نغزگوی کهن^۲

لیلا تابش فر^۳

تاریخ دریافت: ۹۳/۱۲/۲۵

تاریخ تصویب: ۹۴/۱۱/۱۴

چکیده

این مطالعه به بررسی کارکرد پسوند تصریفی «-ی» در فارسی نو اختصاص دارد. هدف مقاله شناخت مفهیمی است که در فارسی متقدم با این تکواژ کدگذاری شده و تغییراتی که اکنون در آن صورت گرفته است؛ به علاوه علت تغییر و تشخیص عنصر یا عناصر زبانی جایگزین آن را نیز پیگیری می‌کند. نتیجه مطالعه حاکی از این است که تکواژ مورد بررسی در مواردی که بیانگر دو مقوله دستوری نمود تکرار شونده و وجه شامل وجوه التزامی، شرطی، تمنایی و خیالی بوده دستخوش تغییر گردیده است. نشانه جایگزین آن در مقوله نمود پیشوند «می» است که علاوه بر بیان نمود ناقص، نقش جدید نمود تکرار شونده را نیز یافته و به خاطر

^۱ شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/JLR.2017.4008.

^۲ دانشیار گروه زبان‌شناسی، دانشگاه بوعلی سینا همدان؛ mehrdad.kohan@basu.ac.ir

^۳ کارشناس ارشد رشته زبان‌شناسی، دانشگاه بوعلی سینا همدان (نویسنده مسئول)؛ leila_tabeshfar@yahoo.com

پذیرش نقش دستوری تازه، معین فعل «داشتن» هم برای تقویت نقش اولیه اش دستوری شده است. نشانه جایگزین آن در مقوله وجه نیز صورت انتزاعی وجه التزامی است بدین معنا که کارکرد یک وند صوری و آوایی به یک مقوله انتزاعی واگذار گردیده است. علت این تغییرات را نیز باید در فرایند دستوری شدگی جستجو کرد چون طی آن، در صورت نمودی، پیشوند «می» علاوه بر حفظ نقش پیشین خود، نقش جدید نیز پذیرفته و دستوری تر شده و در صورت وجه نمایی، یک مقوله دستوری، دستوری تر و انتزاعی تر گشته است.

واژه‌های کلیدی: نمود، وجه، وجه التزامی، فارسی نو،

دستوری شدگی

۱. مقدمه

لانگاکر^۱ (۱۹۸۷: ۱۱) در نظریه زبانی خود با عنوان «دستور شناختی» زبان را نظامی نامحدود از نشانه‌های زبانی می‌داند که هر یک از آنها نمادی معنایی را به نمادی آوایی متصل می‌کند. از نظر ایشان، نمادهای معنایی ثابت و از پیش تعیین شده نیستند، بلکه فرایندهایی ذهنی به شمار می‌روند که کاملاً پویا هستند و به دلیل همین پویایی هر از چندگاهی تغییر می‌یابند؛ علت تغییر را نیز منظری می‌داند که گوینده از طریق آن به پیرامون خود می‌نگرد. به عقیده ایشان هر گاه محیط تغییر یابد، به این معناست که معانی تغییر یافته، بنابراین نماد بیان‌کننده آن معانی هم تغییر می‌یابد.

بخشی از این دیدگاه لانگاکر را می‌توان در هسپلمت^۲ (۲۰۱۰: ۸) نیز مشاهده نمود. به عقیده ایشان هر مفهومی از طریق یک نماد آوایی از قبیل تکواژ و واژه، در قالب ساخت دستوری زبان بیان می‌شود تا عمل ارتباط کلامی و انتقال پیام صورت گیرد. معانی یا مفاهیم دسته‌بندی شده در ذهن با انواع گوناگون تکواژ کدگذاری شده و هنگام یادآوری و طرح با همان کدها بیان می‌گردند. این کدها در بخش واژه‌سازی زبان

^۱ Langacker

^۲ Haspelmath

تولید می‌شوند و در وقت نیاز مورد استفاده قرار می‌گیرند و البته مطابق دیدگاه لانگاکر و هسپلمت، به دلیل پویایی ثابت باقی نمی‌مانند و در تاریخ زبان تغییر می‌یابند. در رویکرد نقش‌گرایی، برخی از تغییرات زبانی که در طول تاریخ اتفاق می‌افتد از طریق ساز و کار دستوری‌شدگی قابل توجیه است. دستوری‌شدگی فرایندی است که از رهگذر آن اجزای واژگانی نقش دستوری کسب می‌کنند یا اجزایی که خود ویژگی‌های دستوری دارند، دستوری‌تر می‌شوند (هاینه^۱ و کوتوا^۲، ۲۰۰۲: ۲؛ هاپر^۳ و تراگو^۴، ۲۰۰۳: ۱؛ نغزگوی کهن، ۱۳۸۹ الف: ۱۵۱).

این مطالعه به‌طور خاص به بررسی تحول تکواژ تصریفی «ی» و کارکردهای معنایی آن در فارسی نو و سیر تطور آن می‌پردازد و هدف اصلی آن پی بردن به این نکات است که در تاریخ زبان فارسی از آغاز دوران اسلامی تاکنون چه مفاهیمی با این تکواژ کدگذاری شده است، آیا آن مفاهیم تغییری یافته‌اند یا خیر، اگر تغییر یافته‌اند علت آن چیست و اکنون عنصر زبانی جایگزین آنها کدام است.

بخش اول مقاله، مطالعات پیشین در این زمینه را بررسی می‌کند. بخش دوم به مطالعه کارکرد تاریخی پسوند مورد بحث می‌پردازد. در بخش سوم تغییرات احتمالی آن در فارسی نو مورد بررسی قرار می‌گیرد و بخش چهارم به نتیجه‌گیری اختصاص می‌یابد.

۲. مطالعات پیشین

ناتل خانلری (۱۳۸۲) و ابوالقاسمی (۱۳۷۳) و (۱۳۸۳) به‌طور کلی به بحث درباره «وند» می‌پردازند و در این میان نیز پسوند «-ی» و پیشینه آن در زبان‌های باستان و میانه را مورد بررسی قرار می‌دهند. باقری (۱۳۸۳) نیز تغییرات آوایی مربوط به این پسوند را در سیر تحول زبان از میانه به نو بررسی نموده است. همه این مطالعات به بررسی پیشینه این پسوند در فارسی باستان و میانه و سیر تحول آوایی آن به فارسی نو پرداخته‌اند و اغلب جنبه توصیفی دارند.

¹ Heine

² Kuteva

³ Hopper

⁴ Traugott

کشانی (۱۳۷۱) و سمائی (۱۳۷۵) نیز به مطالعه صورت اشتقاقی این وند از منظر هم‌زمانی می‌پردازند و هیچ اشاره‌ای به نوع تصریفی آن ندارند. همچنین صاحبی و توکلی (۱۳۸۹) در یک پژوهش در زمانی با عنوان پسوند «-ی»، پیشینه و کاربردهای آن، سابقه حضور و کاربردهای آن را در ایرانی باستان و ایرانی میانه غربی مورد بررسی قرار داده و ساخت آن را به سه گروه ساخت‌های اسمی، صفتی و قیدی تقسیم می‌کنند و به معرفی کاربردهای گوناگون آن در فارسی نو می‌پردازند. آنان نیز بیشتر به بررسی پیشینه نوع اشتقاقی این پسوند در فارسی باستان و میانه توجه داشته و به گونه‌ای همان مطالبی را تکرار کرده که ناتل خانلری، ابوالقاسمی و باقری پیش‌تر مطرح نموده‌اند، هر چند مدعی هستند که به مطالعه در زمانی پرداخته‌اند اما بدون توجه به کاربردهای این پسوند در فارسی کلاسیک و دوره پس از آن، به بررسی کاربردهای امروزی آن می‌پردازند و باز همان مطالبی را تکرار می‌کنند که کشانی بیان نموده است.

به هر حال هیچ یک از این مطالعات به بررسی کارکردهای صورت تصریفی این پسوند در تاریخ فارسی نو، به ویژه تغییرات کاربردشناختی - تاریخی آن نپرداخته‌اند؛ مهم‌تر آن که هیچ کدام در پی شناختن نوع تغییر و علل آن نیز نبوده‌اند.

۳. کارکرد تکواژ تصریفی «-ی» در فارسی کلاسیک

مطالعه متون متقدم نشان می‌دهد که تکواژ تصریفی «-ی» در این دوره، بیانگر مفهوم وجه فعل به گونه‌های رایج در آن دوره و نمود تکرار شونده بوده است. جدول شماره ۱ نشان‌دهنده این وجوه و کاربردهای مختلف آن است.

جدول ۱: کارکردهای مختلف تکواژ «ی» در بیان وجه فعل در فارسی متقدم

کارکرد پسوند «-ی»	شواهد زبانی
وجه شرطی	اگر من جایی دانستمی اندر جهان از این حرب فاضل تر آن جا شدمی (طبری: ۱۹۵)
وجه تمنایی	ای کاشکی ندادندی به من نامه کردار من (نسفی: ۸۳۷).
وجه التزامی	از گرسنگی پایم کار نمی‌کرد که برفتمی (سور: ۳۳۶).
وجه خیال: این وجه در بیان فعل‌های واقع نشده مانند نقل خواب یا تصور وقوع فعلی به کار می‌رود و شامل دو نوع می‌شود:	
الف- بیان خواب	یوسف در خواب دید که بازده ستاره و ماه و آفتاب او را سجده کردند (قصص: ۸۴).
ب- تصور	گویی کسی ایشان را در سجده افکندی (مجید، ۱: ۶۷).

علاوه بر موارد ذکر شده، ناتل خانلری (۱۳۸۲، ۱: ۳۶۳-۳۶۲) می‌نویسد: صیغه خاصی از صرف زمان ماضی وجود دارد که مفهوم تکرار فعل را بیان می‌کند و با افزودن پسوند «-ی» به آخر فعل ساخته می‌شود و غیر از آن نوع ماضی استمراری است که برای بیان فعلی که در زمان گذشته جریان داشته اما پایان نیافته است به کار می‌رود و جزء صرفی «می» و «همی» نشانه آن است. دلیل تفاوت میان این دو معنا آن است که گاهی هر دو جزء در یک صیغه جمع می‌شوند تا هم مفهوم استمرار و هم مفهوم تکرار را برسانند:

تکرار	هر روزی بامداد به خدمت پیغامبر آمدندی و از پیغامبر علم شنیدندی (تفسیر طبری: ۱۷۴).
تکرار و استمرار	امیر خلف هر روز و هر شب تاختن همی آوردی و همی کشتی (سیستان: ۳۳۷).

وی این نوع فعل را که در زمان گذشته، پیاپی یا به‌طور دائم و به‌حکم عادت انجام می‌گرفته است، ماضی پیاپی می‌نامد و اظهار می‌کند برای بیان این مفهوم پسوند «-ی» به آخر صیغه‌های ماضی تام درمی‌آید (ناتل خانلری، ۱۳۸۲، ۲: ۲۳۵). ناتل خانلری (۱۳۸۲، ۳: ۱۹۳) همچنین می‌نویسد که فعل تابع به صیغه ماضی با پسوند «-ی» می‌آید؛ در این حال فعل تابع یا بر عدم وقوع فعل دلالت می‌کند یا بر فعلی که حاکی از عادت یا تکرار است^۱:

الف- عدم وقوع عمل	خواهد که خاکی بودی یا مرغی بودی (کیمیا: ۶۱۳).
ب- عادت و تکرار	چون به مجلس بنشستی بفرمودی تا پرده فرو آویختندی (زین‌الأخبار: ۶۹).

نمونه‌های مطرح شده در جدول شماره ۱، به روشنی گواه این نکته است که پسوند تصریفی «-ی» در فارسی متقدم دو کاربرد کاملاً متفاوت از نوع وجه فعل و نمود تکرار شونده داشته به طوری که بیشترین نقش را در بیان وجه شامل پنج وجه شرطی، تمنایی، التزامی، بیان خواب و تصور به خود اختصاص داده است. مفهوم محقق نشدن عمل

^۱ بعضی از فعل‌ها به حکم معنا یا برحسب مورد استعمال برای تمام شدن مفهوم خود محتاج به فعل دیگری هستند که به آنها فعل تابع گفته می‌شود.

را نیز می‌توان در چارچوب وجه فعل بررسی نمود از این جهت که حالتی از خواست و تمایل‌گوینده از انجام عملی در گذشته است (مورد درخواست شده در این قسمت در پایان متن با مقایسه نمونه‌های ارائه شده در جدول با معادل‌های امروزی آنها تبیین گردیده است).

۴. پسوند تصریفی «-ی» در فارسی امروز و کارکردهای آن

به منظور بررسی تغییر و تحول این پسوند در فارسی امروز نسبت به فارسی کلاسیک، موارد کاربرد آن را از اوایل قرن هفتم هجری به این سو و بر اساس شواهد موجود بررسی می‌کنیم.

با توجه به این حقیقت که هرگز زبان زنده و رایج امکانات بیان معانی را از دست نمی‌دهد و با دقت به این نکته که مفاهیم شرط، آرزو، التزام، تصور، تکرار و محقق نشدن عمل، همه در فارسی امروز کاربرد دارند، متوجه این مهم می‌شویم که این کاربردها از میان نرفته بلکه تغییر یافته‌اند. در این صورت، این سؤال مطرح می‌شود که مفاهیم مورد نظر اکنون با چه کدهایی رمزگذاری می‌شوند.

با دقت در متون متعلق به قرن هفتم و سده‌های پس از آن درمی‌یابیم که از ابتدای این قرن روند تغییر در کاربرد «-ی» به‌عنوان وجه‌نما و نشانگر تکرار آغاز شده است. از همین زمان تا اواخر قرن نهم و حتی مدتی پس از آن، البته با بسامد بسیار کم‌تر هنوز مواردی از کاربردهای مربوط به وجوه مختلف فعل و تکرار عمل به چشم می‌خورد و این شیوه بیان به موازات الگوی جدید به کار می‌رود.

ناتل خانلری (۱۳۸۲، ۲: ۱۲۰) در این خصوص عنوان می‌کند که از آغاز قرن هفتم ه ق. وجوه و صیغه‌های صرف فعل رو به سادگی می‌رود. بعضی از وجوه فعل مانند انواع صیغه‌های شرطی، تمنایی و دعایی متروک و منسوخ می‌شود و اگر به ندرت دیده می‌شود، آن مواردی است که یا نویسنده به‌عمد از شیوه کهن پیروی می‌کند یا عباراتی را از روی یک تألیف دوره قبل به عین کلمات نقل کرده است.

با توجه به مطالب ذکر شده، می‌توان چنین نتیجه گرفت که روند تغییر در کارکرد تصریفی «-ی» از اوایل قرن هفتم ه ق. آغاز شده و در آثاری که به لحاظ زمانی به دوره

کلاسیک نزدیک تر است، نمونه‌هایی از کاربردهای کهن آن به موازات کاربردهای تازه، کم و بیش به چشم می‌خورد. اما هر چه از اوایل این دوره بیشتر فاصله می‌گیریم، به‌طور طبیعی تغییر قطعی تر و کاربردهای اولیه کم تر می‌شود طوری که امروزه هیچ موردی از کاربرد آنها در آثار نویسندگان دیده نمی‌شود.

مطالعه منابع مربوط به فارسی امروز مؤید این مطلب است که بسامد نوع پسوند «-ی» در این دوره نسبت به دوره متقدم کاهش یافته است طوری که از میان ۷ مورد از کارکردهای تغییر یافته آن، ۵ مورد مربوط به وجه فعل و ۲ مورد بیانگر مفاهیم واقع نشدن عمل و تکرار عمل است که برای تشخیص عناصر جایگزین شده آنها ضروری است ابتدا مفاهیم تکرار عمل، واقع نشدن عمل و وجوه فعل در فارسی امروز و طرز استعمال آنها را بشناسیم.

پیش تر به نقل از ناتل خانلری به این نکته اشاره شد که صیغه خاصی از صرف زمان ماضی وجود دارد که مفهوم تکرار فعل را بیان می‌کند و با افزودن پسوند «-ی» به آخر فعل ساخته می‌شود و گفتند این نوع فعل را که در زمان گذشته، پیاپی یا به‌طور دائم و به‌حکم عادت انجام می‌گرفته است و با افزودن مصوت «ی» به آخر صیغه‌های ماضی تام ساخته می‌شود، ماضی پیاپی می‌نامند. در ادامه مطلب این نکته را یادآوری کردند که فعل تابع به صیغه ماضی با پسوند «-ی» می‌آید؛ در این حال فعل تابع یا بر عدم وقوع فعل دلالت می‌کند یا بر فعلی که حاکی از عادت یا تکرار است. مطلب بالا گویای این نکته است که ناتل خانلری به وجود مفهوم تکرار و کدگذاری آن با استفاده از پسوند «-ی» در زبان فارسی پی برده، اما هیچ اشاره‌ای به کارکرد «نمودی» آن نکرده است.

نغزگوی کهن (۱۳۸۹: ۹۳) نیز می‌نویسد: «نمود در کنار زمان و وجه از جمله مقوله‌های مهم دستوری فعل محسوب می‌شود. تقابل میان نمودهای «کامل»^۱ و «ناقص»^۲ از جمله اولین مفاهیمی است که تحقیقات زیادی درباره آنها صورت گرفته است. بعضی دیگر از مفاهیم بیان‌کننده نمود که در زبان‌ها با امکانات دستوری بیان می‌شوند، عبارتند از:

^۱ perfective
^۲ imperfective

نمودهای «آغازی»^۱، «تقریب»^۲، «تکرار شونده»^۳ و جز آن و در توضیح نمود تکرار شونده می‌نویسد، نشان‌دهنده رویدادی است که به‌طور منظم تکرار می‌شود. وی در ادامه می‌افزاید به‌لحاظ صوری نمود را می‌توان با امکانات دستوری مختلف بیان کرد؛ از وندها گرفته تا دوگان‌سازی و استفاده از افعال معین و گاهی نیز ترکیبی از این چند مورد. نغزگوی کهن ضمن اشاره مهمی که به مقوله نمود تکرار شونده داشته، به علت توجه صرف به مقوله «معین» در مقاله خود، به بررسی این وندها نمودنما که ریشه قیدی دارد پرداخته است (همان: ۹۴).

واقع نشدن عمل نیز حالتی از خواست، میل و آرزوی گوینده از انجام عملی در گذشته بوده که انجام نگرفته است. این حالت می‌تواند صورتی از وجه التزامی باشد. ناتل خانلری در این خصوص می‌گوید در فارسی کلاسیک گاهی فعل تابع به صیغه ماضی با پسوند «-ی» به کار می‌رود که معادل مضارع التزامی در ادوار بعد است (ناتل خانلری، ۱۳۸۲، ۲: ۱۱۶).

از آنجا که التزام، آرزو و شرط تحقق عمل، محقق نشدن آن و کاری که پیاپی تکرار می‌شود، به‌طور طبیعی می‌تواند مربوط به زمان‌های مختلف باشد، مشخص می‌گردد که این نوع وجه و نمود مقید به زمان نیستند و هر چند ناتل خانلری می‌گوید با افزودن پسوند «-ی» به ماضی تام ساخته می‌شوند، اما به ندرت هم با افزودن آن به پایان مضارع تام ساخته می‌شوند و همان معانی را در زمان حال یا آینده بیان می‌دارند؛ مانند:

الف. کاشکی فسادی دیگر تولد نکندی (بیهقی: ۳۲۱)

ب. اگر بدانندی که چنین است بگروندی (پاک: ۶۴).

اکنون که مشخص گردید کارکرد دستوری پسوند تصریفی «-ی» یعنی نمایش وجه التزامی و نمود تکرار شونده در تاریخ زبان فارسی دستخوش تحول گردیده، به مطالعه شیوه بیان این نوع از وجه و نمود فعل در فارسی امروز می‌پردازیم.

¹ ingressive / inchoative

² proximate

³ iterative / frequentative

طبق نظر آقاگل زاده و عباسی (۱۳۹۱: ۱۳۸-۱۳۷)، بسیاری از دستورنویسان معاصر در طرح و ارائه انواع وجه فعل اتفاق نظر ندارند و دسته‌بندی‌های متفاوتی شامل شش، چهار و سه نوع وجه ارائه نموده‌اند. به باور آنان، اختلاف موجود در دسته‌بندی‌ها ناشی از این است که در برخی مطالعات ایرانی به مسائل تاریخی زبان فارسی هم پرداخته شده و برخی دیگر انواع وجوه را صرفاً در زبان فارسی امروز بررسی کرده‌اند. از نظر آنان، تمام منابع دستوری به وجود سه وجه اخباری، التزامی و امری در زبان فارسی امروز اشاره کرده و منسوخ شدن وجوه شرطی، تمنایی و خیالی را تأیید می‌نمایند (همان: ۱۴۰). بنابراین توجه به مطالب بالا ما را به این نتیجه می‌رساند که وجه فعل در دوره کلاسیک متنوع‌تر و مستقل‌تر بوده اما در دوران بعد به‌ویژه در فارسی امروز برخی از وجوه استقلال خود را از دست داده و با وجه التزامی تلفیق شده‌اند.

انوری و احمدی گیوی (۱۳۸۴، ۲: ۷۱) نیز تلویحاً به این نکته اشاره می‌کنند و درباره وجه فعل می‌نویسند: «فعل را به اعتبار کیفیت بیان مفهوم آن که خبری را برساند یا وقوع و حالت آن را با احتمال یا شرط یا جز آن همراه کند یا فرمانی را برساند، از یکی از سه وجه اخباری، التزامی یا امری به شمار می‌آورند. وجه التزامی آن است که دلالت فعل را بر معنای آن با التزام به امری چون امید، آرزو، میل، تردید و امثال آنها بیان کند. در وجه التزامی گوینده در واقع تعبیر و تفسیری همراه فعل می‌آورد.

به‌تصور نگارندگان، تعبیر و تفسیر همراه فعل در وجه التزامی می‌تواند همان آرزو، شرط، تصور، خیال و غیره باشد که گوینده با فعل پایه همراه می‌کند. این مفاهیم که در فارسی کلاسیک به‌صورت وجوه مستقل به کار می‌رفتند، چون در تقابل با وجه اخباری و هم‌راستا با وجه التزامی قرار داشته‌اند، استقلال خود را در مقابل وجه التزامی از دست داده و با آن تلفیق شده‌اند.

ناتل خانلری در این باره می‌نویسد زبان‌ها تمایل به پذیرش وجوه متقابل دارند. یکی وجه اخباری که جریان فعلی را بیان می‌کند و دیگری وجهی که جریان فعل را با بیان حالتی عاطفی مانند قصد، میل یا احتمال به شنونده می‌رساند. در اکثر زبان‌های هند و اروپایی تنها یک وجه که ارزش عاطفی داشته باشد در مقابل وجه اخباری باقی مانده است

(ناتل خانلری، ۱۳۸۲، ۳: ۱۳۵؛ ناتل خانلری، ۱۳۷۸: ۱۱۰). آن یک وجه در فارسی کنونی وجه التزامی است.

علاوه بر این در فارسی کلاسیک دو زمان ماضی «استمراری» و ماضی «پیاپی» مستقل از هم و با کارکرد متفاوت وجود دارند در حالی که همه می‌دانیم در فارسی امروز هرگز زمانی دستوری به نام «پیاپی» وجود ندارد.

ناتل خانلری در توصیف ماضی استمراری می‌نویسد: «در فارسی دری، ماضی استمراری برای بیان فعلی به کار می‌رود که در زمان گذشته جریان داشته است اما پایان قطعی آن را معین نمی‌کند» (ناتل خانلری، ۱۳۸۲، ۳: ۴۵). وی همچنین در توصیف ماضی پیاپی می‌گوید: «ماضی استمراری در فارسی امروز دو مورد استعمال مختلف دارد: الف- فعلی که در زمان گذشته جریان داشته و به انجام نرسیده است. مثل: «سواری رو به شهر می‌رفت.»

ب- فعلی که در زمان گذشته پیاپی یا به‌طور دائم و به‌حکم عادت انجام می‌گرفته است؛ مانند: «هر روز به دانشکده می‌رفتم.»، «همیشه نمره خوب می‌گرفتم.» این نکته را انوری و احمدی گیوی (۱۳۸۴، ۲: ۴۹) و صادقی و ارژنگ (۱۳۵۹: ۱۳) نیز تأیید می‌کنند. ناتل خانلری (۱۳۸۲، ۲: ۵۹) در ادامه می‌افزاید در دوره اول فارسی دری برای این دو مورد مختلف دو صورت صرفی جداگانه به کار می‌رفت. برای مورد اول جزء «همی / می» استعمال می‌شده و برای مورد دوم مصوت «ی» به آخر صیغه‌های ماضی تام درمی‌آید و هرگاه هر دو معنا مراد بوده است هر دو جزء، یکی در اول و یکی در پایان فعل قرار می‌گرفت.

با تکیه به این مطالب می‌توان چنین نتیجه گرفت که در فارسی امروز، پیشوند تصریفی «می-» در ابتدای ماضی تام علاوه بر حفظ نقش نمودی پیشین خود یعنی بیان نمود ناقص (استمراری)، نقش جدید نمود تکرار شونده نیز یافته است. به عقیده نغزگوی کهن (۱۳۸۹ الف: ۱۵۶)، در زبان فارسی پیشوند «می» در آغاز «همی» بوده است که به صورت «می» ساده شده و برای تأکید بر استمرار و همچنین نمود مستمر به کار می‌رفته، ولی برای وضوح بیشتر کم فعل «داشتن» در کنار «می» برای بیان این مفهوم به کار رفته است تا معنای «می» را تقویت کند. این نکته را ابوالقاسمی هم مورد تأکید قرار داده است

(ابوالقاسمی، ۱۳۸۳: ۲۴۳). نگارندگان بر این باورند که یکی از دلایل دستوری شدن فعل «داشتن» برای نشان دادن نمود استمراری و تقویت «می» همین پذیرش نقش جدید نمود تکرار شونده و کاسته شدن از نقش استمراری «می» است. البته پیشوند «می» در فارسی امروز همانند پسوند «-ی» در گذشته این نقش را به کمک قیودی که دلالت بر عادت و تکرار دارند ایفا می‌نماید؛ مانند: «هر روز به دانشکده می‌رفتم»، «همیشه نمره خوب می‌گرفتم». این نمود در زمان حال نیز با همین تکواژ بیان می‌شود؛ مانند: «هر روز به دانشکده می‌روم»، «همیشه نمره خوب می‌گیرم».

پس از شناختن نشانه جایگزین نمود تکرار شونده، تشخیص عنصر جایگزین وجوه فعل را نیز پی می‌گیریم. همان طور که قبلاً ذکر کردیم، انوری و احمدی گیوی (۱۳۸۴، ۲: ۵۵-۵۴ و ۵۹) وجه التزامی را دلالت فعل بر معنای آن با التزام به امری چون امید، آرزو، میل، تردید و امثال آن بیان کردند. می‌دانیم که اکنون این نوع دلالت فعل بر معنای خود همراه با التزام، آرزو، شرط و امثال آن از طریق دو صورت زمانی ماضی و مضارع التزامی فعل بیان می‌شود. آنان موارد استعمال این وجه در زمان‌های ماضی و مضارع التزامی در فارسی امروز را شامل موارد مندرج در جدول شماره ۲ می‌دانند.^۱

جدول ۲: کارکرد وجه التزامی در فارسی امروز

زمان فعل	وجه یا قصد گوینده از بیان فعل	شواهد زبانی
ماضی التزامی	بیان وقوع فعل در گذشته همراه با لزوم یا صواب	گوینده باید طبیعی توانا داشته باشد تا بتواند...
	بیان وقوع فعل در گذشته همراه با شرط	اگر کسی نتوانسته باشد برای جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند سودمند باشد، نخواهد توانست برای خود نیز سودمند باشد.
	بیان وقوع فعل در گذشته همراه با آرزو و تمنا	ای کاش تا به حال آمده باشد.
مضارع التزامی	بیان وقوع فعل در آینده همراه با لزوم یا صواب	می‌خواهم بروم. / لازم است بنویسد.
	بیان وقوع فعل در آینده همراه با شرط	اگر تو بیایی من هم می‌آیم.
	بیان وقوع فعل در آینده همراه با آرزو و تمنا	کاش امروز سعید به خانه ما بیاید.

^۱ کاربرد وجه التزامی در دو زمان ماضی و مضارع گسترده‌تر از موارد ذکر شده در جدول است اما چون ارتباطی با موضوع بحث ندارد مورد توجه قرار نگرفته است.

به منظور مقایسه کارکردهای وجه التزامی در فارسی کلاسیک با فارسی امروز ناگزیریم کارکردهای آن را در دوره متقدم نیز بشناسیم بنابراین در جدول زیر به ارائه آنها می پردازیم.

جدول ۳: کارکرد وجه التزامی در فارسی متقدم

زمان فعل	وجه یا قصد گوینده از بیان فعل	شواهد زبانی
ماضی التزامی	فرض یا احتمال وقوع فعل در گذشته	چون این بیعت بکردم همگان بیعت کرده باشند (بیهقی: ۱۴۲).
	بیان قصد و غرض از جریان فعل در گذشته	رخصت ندهد که در معنی زیردستان و چاکران خویش سخن گوید تا عادت قدیم نگاه داشته باشد (سیاست نامه: ۱۹۱).
	بیان حاصل و نتیجه فعل بند پایه	از سلطان نصیحت بازنگیرم که خیانت کرده باشم (بیهقی: ۱۸۲).
	علت جریان فعل بند پایه	پل را از این جا قنطره گویند که محکم کرده باشند (رازی: ۲۹۱).
مضارع التزامی	بیان قصد، انتظار، پیش بینی یا آرزوی وقوع فعل در گذشته	کاردها برگرفتند تا ترنجها ببرند (قصص: ۱۰۲).
	بیان قصد، انتظار، لزوم، امکان یا آرزوی وقوع فعل در آینده	هر یک از ما تواند که دعوی پیغمبری کند (سور: ۲۲۵).
	بیان وقوع فعل همراه با شرط در حال و آینده	اگر بدانندی که چنین است بگروندی (پاک: ۶۴).

حاصل مقایسه موارد استعمال ماضی و مضارع التزامی در فارسی کلاسیک با کاربردهای آن در فارسی امروز بر اساس جدولهای شماره ۲ و ۳ چند نکته ذیل خواهد بود:

۱. کاربرد پسوند «-ی» در پایان ماضی تام در دوره آغازین فارسی نو تنها حامل بخشی از مشخصه معنایی «وجه» بوده است. همان طور که در جدول شماره ۳ می بینیم، مضارع التزامی نیز در فارسی کلاسیک بخشی از معانی التزام، آرزو و شرط را بیان می کند. در وجه تمنایی، علاوه بر پسوند «-ی»، پسوند «-ا» نیز به عنوان یکی از نشانگرهای این وجه به کار می رود. ناتل خانلری (۱۳۸۲، ۲: ۱۶۲) در این خصوص عنوان می کند که این صورت خاص با افزودن پسوند «-ا» به میان

ماده مضارع فعل و شناسه یا افزودن آن به آخر صیغه فعل، بعد از شناسه یا هر دو صورت با هم ساخته می‌شود؛ مانند: خدای غزّ و جل بر زندگانی تو برکت کناد (بلعمی: ۹۳۹).

۲. در سطور پیشین به نقل از ناتل خانلری اشاره شد که «در دوره رشد و تکوین زبان فارسی (فارسی کلاسیک)، گاهی فعل تابع به صیغه ماضی با پسوند «-ی» به کار می‌رود که معادل مضارع التزامی در ادوار بعد است.» این دیدگاه ناتل خانلری از این جهت که اکنون نشانه زبانی جایگزین شده با پسوند «-ی»، وجه التزامی است سودمند خواهد بود اما از جهتی هم درست به نظر نمی‌رسد چون در دوره اخیر فعل تابع هم با استفاده از ماضی و هم مضارع التزامی بیان می‌شود نه صرفاً مضارع التزامی.

۳. بخشی از کارکردهای وجه فعل و محقق نشدن عمل که در فارسی کلاسیک با سوند «-ی» نشان داده می‌شده است، اکنون با مقوله انتزاعی وجه التزامی بیان می‌شود بدین معنا که کارکرد یک وند صوری و آوایی به یک مقوله انتزاعی واگذار گردیده است.

علت تغییر در کارکردهای دو گانه پسوند مورد مطالعه را نیز باید در فرایند دستوری‌شدگی جستجو کرد چون طی آن، در صورت نمودی، پیشوند «می» علاوه بر حفظ نقش پیشین خود، نقش جدید نیز پذیرفته و دستوری‌تر شده و در صورت وجه‌نمایی نیز یک مقوله دستوری، دستوری‌تر و انتزاعی‌تر گشته است. در این خصوص ذکر یک نکته ضروری به نظر می‌رسد. ممکن است این گونه تصور شود که در فارسی امروز تکواژ «ب» در آغاز مضارع التزامی بخشی از کارکرد پسوند «-ی» را بر عهده گرفته است اما به باور نغزگوی کهن (۱۳۹۲) تکواژ «ب» در قرون متقدم معنای اولیه جهتی داشته و معنای تأکیدی آن ثانویه و ضعیف بوده است. در طول زمان معنای جهتی تضعیف و معنای تأکیدی آن افزایش یافته است. با تقویت معنای تأکیدی کاربرد «ب» در دوره اخیر خاص‌تر شده و تنها در ساخت‌های مضارع التزامی و امر به کار می‌رود. علت کاربرد آن در این دو ساخت متفاوت نیز معنای تأکید است که به‌طور مشترک در هر دو ساخت وجود دارد.

بنابراین نمی‌توان آن را نشانهٔ وجوه التزامی و امری دانست زیرا در افعال مرکب به راحتی حذف می‌شود (برای توضیحات بیشتر ر.ک. نغزگوی کهن، ۱۳۹۲).

نتیجهٔ تحلیل صورت گرفته در مقاله حاکی از آن است که پسوند تصریفی «-ی» در فارسی کلاسیک بخشی از نقش وجوه رایج در آن زمان و کارکرد نمود تکرار شونده را داشته است. این تکواژ در فارسی امروز به طور کامل از میان رفته و نقش خود را در بیان وجه به وجه التزامی و در بیان نمود به پیشوند «می» در افعال انتقال داده است. در جدول شمارهٔ ۴ نقش این تکواژ و تحول آن از منظر وجه‌نمایی را به صورت مقایسه‌ای میان کاربرد کلاسیک جملات با معادل امروزی آنها همراه با تحلیل ساخت‌واژی افعال ارائه می‌کنیم تا تغییرات صوری آن با وضوح بیشتری درک گردد.^۱

جدول ۴: مقایسهٔ کارکرد وجه‌نمایی تکواژ «ی» در فارسی متقدم با فارسی امروز

کارکرد وند «-ی»	شواهد زبانی	تحلیل ساخت‌واژی افعال
وجه شرطی	اگر من جایی دانستمی اندر جهان از این حرب فاضل تر آنجا شدمی (طبری: ۱۹۵).	دانست + مَ + ی
	اگر در جهان جایی بهتر از این جنگ بشناسم آنجا می‌روم.	ب + شناس + مَ
وجه تمنایی	ای کاشکی ندادندی به من نامهٔ کردار من (نسفی: ۸۳۷).	ن + داد + نَند + ی
	ای کاش نامهٔ کردارم را به من ندهند.	ن + ده + نَند
وجه التزامی	از گرسنگی پایم کار نمی‌کرد که برفتمی (سور: ۳۳۶).	ب + رفت + مَ + ی
	از گرسنگی پایم کار نمی‌کرد که بروم.	ب + رو + مَ
بیان خواب	یوسف در خواب دید که یازده ستاره و ماه و آفتاب او را سجده کردند (قصص: ۸۴).	... کرد + نَند + ی
	یوسف در خواب دید که یازده ستاره و ماه و آفتاب او را سجده کنند.	کن + نَند
تصور	گویی کسی ایشان را در سجده افکندی (مجید، ۱: ۶۷).	... افکند + ی
	مثل این که کسی ایشان را در حالت سجده قرار بدهد.	... قرار ب + ده + د
تحقق نیافتن عمل	خواهد که خاکی بودی یا مرغی بودی (کیمیا: ۶۱۳).	بود + ی
	آرزو می‌کند (می‌خواهد) که خاک یا مرغ باشد.	باش + د

^۱ معادل امروزی جمله‌ها بر اساس شم زبانی نگارندگان ارائه شده است.

قبلاً اشاره شد که مفهوم محقق نشدن عمل را می توان در چارچوب وجه فعل بررسی نمود از این جهت که حالتی از خواست و تمایل گوینده از انجام عملی در گذشته است به همین دلیل در جدول مربوط به وجه ارائه گردید. در جدول زیر نیز بر اساس همان روند مقابله‌ای به بیان تفاوت میان کاربرد کلاسیک پسوند مورد مطالعه و معادل امروزی آن از بعد نمودنمایی می پردازیم.

جدول ۵: مقایسه کارکرد نمودنمایی تکواژ «ی» در فارسی متقدم با فارسی امروز

کارکرد وند - ی	شواهد زبانی	تحلیل ساخت واژی افعال
تکرار	هر روزی بامداد به خدمت پیغامبر آمدندی و از پیغامبر علم شنیدندی (تفسیر طبری: ۱۷۴).	آمد + ند + ی شنید + ند + ی
	هر روز بامداد به خدمت پیغمبر می آمدند و از وی علم می شنیدند.	می + آمد + ند می + شنید + ند
تکرار و استمرار	امیر خلف هر روز و هر شب تاختن همی آوردی و همی کشتی (سیستان: ۳۳۷).	... همی + آورد + ی همی + کشت + ی
	امیر خلف هر روز و هر شب می تاخت و می کشت.	می + تاخت می + کشت
عادت و تکرار	چون به مجلس بنشستی بفرمودی تا پرده فروآویختندی (زین الأخبار: ۶۹).	ب + نشست + ی ب + فرمود + ی فروآویخت + ند + ی
	چون در مجلس می نشست می فرمود تا پرده را می کشیدند.	می + نشست می + فرمود می + کشید + ند

۵. نتیجه گیری

در این مقاله به مطالعه کارکردهای پسوند تصریفی «-ی» در زبان فارسی نو پرداختیم. کاربردهای تصریفی این وند یعنی نمایش وجوه عاطفی فعل و نمود تکرار شونده دستخوش تغییر گردیده است. همچنین مشخص شد که نشانه‌های زبانی جایگزین آنها در نمایش نمود، پیشوند تصریفی «می» همراه با ماضی مطلق و در نمایش وجوه عاطفی فعل که اکنون همه در قالب وجه التزامی بیان می شوند، صورت انتزاعی وجه التزامی است.

دلیل تغییر نقش نمودی پسوند مورد مطالعه را فرایند دستوری شدگی می‌دانیم از این حیث که پیشوند «می» علاوه بر حفظ نقش پیشین خود، نقش جدید نیز پذیرفته و دستوری تر شده است. شاید بتوان گفت دلیلی که موجب گردیده تکواژ «می» نقش تکواژ حذف شده «-ی» را نیز بپذیرد، قرابت معنایی «استمرار» و «تکرار» باشد؛ چون هر تکراری به‌طور طبیعی مشخصه امتداد و استمرار را در ذات خود دارد. علت تغییر نقش وجه‌نمایی آن را نیز باید در فرایند دستوری شدگی جستجو کرد چون طی آن یک مقوله دستوری، دستوری تر و انتزاعی تر شده است. نشانه دستوری شدن آن نیز این است که در دوره میانی زبان هر دو الگو تا مدتی به موازات هم به کار می‌روند تا سرانجام الگوی جدید نهادینه و الگوی پیشین به فراموشی سپرده می‌شود. بنابراین می‌توان هر دو مورد را شاهدی دیگر بر تحلیلی تر شدن زبان فارسی و تأییدی بر دیدگاه لانگاکر مبنی بر ثابت نبودن و پویایی نشانه‌های زبانی دانست.

منابع

- آقاگل زاده، فردوس و زهرا عباسی (۱۳۹۱). «بررسی وجه فعل در زبان فارسی بر اساس نظریه فضاهای ذهنی». *مجله ادب پژوهی*. ویژه‌نامه زبان و گویش. شماره ۲۰. صص ۱۵۴-۱۳۵.
- ابوالقاسمی، محسن (۱۳۷۳). *تاریخ زبان فارسی*. تهران: سمت.
- ابوالقاسمی، محسن (۱۳۸۳). *دستور تاریخی زبان فارسی*. تهران: سمت.
- انوری، حسن و حسن احمدی گیوی (۱۳۸۴). *دستور زبان فارسی*. ۲. تهران: مؤسسه انتشارات فاطمی.
- باقری، مه‌ری (۱۳۸۳). *تاریخ زبان فارسی*. تهران: نشر قطره.
- سمائی، مهدی (۱۳۷۵). «یای نسبت در زبان علم و زبان عامیانه». *ویژه‌نامه نامه فرهنگستان*. شماره ۴. صص ۲۳۰-۲۲۰.
- صاحبی، سیامک و نسترن توکلی (۱۳۸۹). «پسوند «ی»، پیشینه و کاربردهای آن». *مجله زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان*. شماره ۲. صص ۱۲۰-۱۰۵.

صادقی، علی اشرف و غلامرضا ارژنگ (۱۳۵۹). *دستور سال چهارم آموزش متوسطه عمومی*. تهران: اکونومیست.

کشانی، خسرو (۱۳۷۱). *اشتقاق پسوندی در زبان فارسی امروز*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
ناتل خانلری، پرویز (۱۳۷۸). *دستور تاریخی زبان فارسی*. تهران: انتشارات توس.

ناتل خانلری، پرویز (۱۳۸۲). *تاریخ زبان فارسی*. جلد اول. چاپ هفتم. تهران: فرهنگ نشر نو.
نغزگوی کهن، مهرداد (۱۳۸۹ الف). «چگونگی شناسایی موارد دستوری شدگی». *فصلنامه پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی*. شماره ۲. صص ۱۶۵ - ۱۴۹.

نغزگوی کهن، مهرداد (۱۳۸۹ ب). «افعال معین و نمایش نمود در زبان فارسی». *مجله زبان و ادبیات «ادب پژوهی»*. شماره ۱۴. صص ۱۱۰ - ۹۳.

نغزگوی کهن، مهرداد (۱۳۹۲). «تغییرات نقشی «ب» در فارسی نو از منظر دستوری شدگی». *مجموعه مقالات نخستین همایش ملی بررسی واژه‌بست در زبان‌های ایرانی*. به کوشش محمد راسخ‌مهند. صص ۶۰ - ۳۷.

Haspelmath, M. & Andrea D. Smith (2010). "Understanding Morphology" (2nd Edition). Hodder Education, An Hachette UK company.

Heine, Bernd & Tania Kuteva (2002). *World Lexicon Grammaticalization*. Cambridge: Cambridge University Press.

Hopper Paul J. & Elizabeth C. Traugott (2003). *Grammaticalization* (2nd Edition). Cambridge: Cambridge University Press.

Langacker, R. (1987). *Foundations of Cognitive Grammar*. vol I. Standford, CA: Standford University Press.

A Study of the Use of Inflectional "-i" Morpheme through the History of New Persian¹

Mehrdad Naghzguy-kohan²

Leila Tabeshfar³

Reception date: 16/3/2015

Approval date: 3/2/2016

Abstract:

This research is specifically about the function of inflectional "-i" suffix in new Persian. The objective of the article is to recognize some concepts and changes which are encoded by this morpheme in New Persian. Additionally, it follows up the reason of change or recognition of the linguistic elements. The results suggest that the so-called morpheme is changed in the cases that it was expressing two categories of frequentative aspect and modes, including subjunctive, conditional, optative, and imagined. The alternative sign in the category of aspect is prefix "mi-", which has taken a new frequentative aspect other than imperfect, and because of taking a new grammatical function, the auxiliary of "daftæn" is

¹ . (DOI): 10.22051/JLR.2017.4008.

² . Associate Professor, Department of Linguistics, Bu-Ali Sina University, Hamedan.
mehrdad.kohan@basu.ac.ir

³ . MA, Department of Linguistics, Bu-Ali Sina University, Hamedan.
leila_tabeshfar@yahoo.com

grammaticalized for its primary function, as well. The alternative sign in the category of mood is the abstract form of subjunctive mood, which means that a literal and phonemic function of an affix is titled to an abstract category. The reason of such changes should be found in the process of grammaticalization. That is, through this process, in aspect form "mi-" has taken a new function in addition to its primary one and has become more grammatical, and in mood form, a grammatical category has become more grammatical and more abstract.

Keywords: aspect, mood, subjunctive, New Persian, grammaticalization.